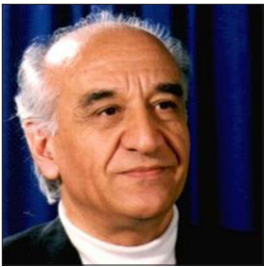


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

ستورنواز نامی ایران



فرامرز پاپور نوازنده ستور و ردیف‌دان و نواز ساز و تصنیف‌ساز نامدار موسیقی ایران ۲۱ بهمن سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد. در سن ۱۷ سالگی، آموزش موسیقی را نزد استاد ابوالحسن صبا آغاز کرد و همچنین از محضر استادانی چون عبدالله دوامی و نورعلی خان برومند بهره برد. هنگامی که برای فراگیری سستور به کلاس درس استاد ابوالحسن صبارفت، سه سال از درگذشت آخرین بازمانده ستورنوازان افسانه‌ای از نسل قدیم، استاد حبیب سماعی، می‌گذشت. فرامرز پاپور، یکی از برجسته‌ترین شاگردان استاد صبا شد و تا سال ۱۳۳۶ که استاد صبا درگذشت، از آموزش‌های وی بهره برد. پاپور اولین ستورنوازی بود که روی ستور، نواسازی می‌کرد و تنها در پی بداهه‌نوازی نبود. به بیان دیگر، اولین آهنگ‌سازی بود که ساز تخصصی او، ستور بود. در طول سال‌های سکونتش در انگلستان تلاش فراوانی برای معرفی موسیقی ایرانی و ستور به محافل دانشگاهی انگلستان انجام داد. پاپور را باید از نخستین رواج‌دهندگان گروه‌نوازی با ساختار سازهای ایرانی به‌شمار آورد. او با دانش وسیعی که در زمینه موسیقی داشت و همچنین علاقه‌مندی وی‌گیری فراوان توانست بسیاری از آموخته‌های خود از استادانی چون صبا و دوامی و برومند را در قالب کتاب سامان‌دهی کند که ردیف پاپور برای ستور و همچنین نت‌نویسی نزدیک به ۲۰۰ تصنیف به‌روایت استادش عبدالله خان دوامی از جمله این کارهاست. در دهه ۱۳۶۰ به همراهی جلیل شهنواز، علی اصغر بهاری، محمد موسوی و محمد اسماعیلی، «گروه اساتید» را تشکیل داد و سرپرستی، آهنگ‌سازی و نوازندگی ستور را در آن به عهده گرفت. این گروه، آثار ماندگاری با محمدرضا شجریان و شهرام ناظری ارائه دادند. این استاد مسلم موسیقی ۱۸ آذر ۱۳۸۸ درگذشت.

خودزنی / محیط‌زیست

باز گشت فسیل‌های ۸ میلیون ساله به کشور

فسیل‌های ۸ میلیون ساله‌ای که ۴۰ سال پیش برای شناسایی و کدگذاری به ایالات متحده واگذار شده بودند، به کشور بازگشتند و ظهر امروز در سازمان حفاظت از محیط زیست رونمایی شدند. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان حفاظت از محیط زیست با اعلام خبر بازگشت فسیل‌های ۸ میلیون ساله به کشور گفت: این فسیل‌ها که موضوع پرونده مشترک ایران و ایالات متحده در دیوان لاهه بودند ۴۰ سال پیش طی کاوش‌هایی در مراغه که یکی از منطقه مهم فسیلی دنیاست کشف شده‌بودند. در این کاوش‌ها متخصصانی از دانشگاه کالیفرنیا، دانشگاه کارولینای جنوبی و موزه لس آنجلس و همچنین متخصصانی از کشورمان حضور داشتند. داریوش کریمی ادامه داد: آن زمان فسیل‌ها به موزه ملی تاریخ طبیعی ایران منتقل شدند و برخی از آنها در داخل کشور شناسایی و کدگذاری شدند اما مابقی فسیل‌ها برای انجام تحقیقات و شناسایی و کدگذاری به ایالات متحده منتقل شدند. به گفته کریمی، قرار بود این فسیل‌ها طی مدت مشخصی به کشور بازگردد اما باتیره شدن روابط ایران و ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی همه همکاری‌های پژوهشی قطع شدو موضوع فسیل‌ها نیز معلق ماند. وی افزود: از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۳ سازمان حفاظت از محیط زیست این پرونده را در لاهه پیگیری می‌کرد. از سال ۱۳۹۲ با گشایش فضای گفت‌وگو موضوع فسیل‌ها نیز به بحث گذاشته شد. دو طرف لوابح مختلفی را برای تعیین تکلیف به دیوان لاهه ارائه کردند و آبان ماه ۱۳۹۳ جلسه استماع در دیوان برگزار شد که در آن جلسه نهایتا قضات دیوان به این جمع‌بندی رسیدند که ایالات متحده باید فسیل‌ها را به ایران بازگرداند. به گفته کریمی، سازمان حفاظت از محیط زیست بلافاصله اقدامات لازم برای عودت فسیل‌ها را آغاز کرد و سرانجام از شهریور ۹۳تیمی متشکل از نمایندگان سازمان حفاظت از محیط زیست، مرکز امور حقوقی بین‌المللی دفتر ریاست جمهوری، نماینده ایران در دیوان داوری لاهه و دفتر حفاظت منابع ایران در واشنگتن برای کارشناسی و تعیین اصالت فسیل‌ها به ایالات متحده اعزام شدند. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان حفاظت از محیط زیست گفت: هیچ قرارداد حقوقی هنگام فرستادن فسیل‌ها نبود که نشان دهد فسیل‌های داده شده دقیقا چند قطعه بوده است. اعداد متفاوتی مطرح بود. گفته می‌شد حدود ۳۰۰۰ قطعه هنگام کاوش در مراغه اکتشاف شده و به موزه ملی تاریخ طبیعی کشور منتقل شده بود. بررسی‌ها نشان داد که حدود ۱۵۰۰ فسیل در ایران موجود است و بنابراین باید حدود همین تعداد هم در ایالات متحده می‌بود. کریمی تصریح کرد: بعد از ۲۰ روز کار مشترک توانستیم ۱۳۵۱ فسیل را شناسایی و تعیین اصالت کنیم و در فهرست مربوط به توافقنامه دو کشور ثبت کنیم. بخشی از فسیل‌ها هم بدون آنکه از توده گل و حاشیه‌هایشان جدا شوند منتقل شده بودند که به شکل همان توده یکپارچه به کشور بازگشتند. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان حفاظت از محیط زیست در پاسخ به اینکه چه تضمینی وجود دارد که ایالات متحده فسیل‌هایی را عودت نداده باشد گفت: در ماده ۸ قراردادی که با این کشور امضا شده آمده است که ایالات متحده باید همه فسیل‌های ارسال شده را به ایران عودت دهد و متعهد می‌شود چنانچه حتی یک فسیل بعدا به هر شکلی پیدا شود هم فسیل را بازگرداند و هم خسارت آن را پرداخت کند.



یادداشت روز

کاستی‌های روایت‌های تاریخ معاصر

مرتضی رسولی‌پور | در سال‌های دهه ۶۰ به دلیل اینکه تاریخ از نگاه منتقدان یعنی انقلابیون روایت می‌شد، دچار کاستی‌های بسیاری بود به این معنی که ما رخدادها را بر اساس نگاه صرفا منتقدان رژیم گذشته می‌دیدیم و می‌شنیدیم و چنین نگاهی کاستی‌های بسیاری داشت زیرا هنوز اسناد و مدارک لازم در سازمان‌ها و موسسه‌های پژوهشی و اسنادی چاپ نشده بود. در حالی که تاریخ‌نگاری صحیح و اصولی مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی باید بدون غرض‌ورزی و منفعت‌طلبی دنبال شود. اتفاقی که در دهه شصت افتاد (جنگ تحمیلی) باعث شد که هویت یک جامعه در دو حادثه (پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع جنگ تحمیلی) به خوبی دیده شود. در این دورخداد بود که مردم ایران روایای پنهان، عکس‌العمل‌ها، رفتارها، برخوردها و هویت خود را نشان دادند. بنابراین آغاز تاریخ‌نگاری مبتنی بر اسناد به سال‌های پس از جنگ برمی‌گردد. بعد از جنگ تحمیلی و در سال‌های نخستین دهه هفتاد موسسه‌هایی شکل گرفتند که در دستور کار این موسسه‌ها نگارش و ثبت رویدادهای چندین دهه گذشته کشور مورد توجه قرار گرفت. از

وقتی آنها توانستند ما هم می‌توانیم!

نگاهی به کتاب «مبانی بر نردینگ» نوشته ملیسا دیویس

امروزه‌واژه‌برند و برندیگ در جوامع توسعه‌یافته و پیشرفته به زندگی روز مره وارد شده است و با رقابتی شدن اقتصاد بیش از گذشته بر بخش‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. در سال‌های پایانی قرن بیستم برندیگ دیگر محدود به شرکت‌ها باقی نماند و امروزه دانشگاه‌ها، موسسات خیریه، شهرها، افراد و به‌طور کلی در تمام عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و خدمات، برندیگ کارکرد موثری دارد. با ایجاد بازارهای جدید صنعت برندیگ نیز دچار دگرگونی شده است. بسیاری از برندها بازارهای خود را به چین و هند برده‌اند و طبقات نوپای این کشورها را هدف قرار داده‌اند. امروزه‌واژه‌برند و برندیگ در عین اینکه امروزه بسیار در مکالمات به کار می‌رود اما اغلب برداشت مشترک و یکسانی از مفهوم آن وجود ندارد. در سال‌های اخیر، برندیگ به صورت بخش جدایی‌ناپذیر و بنیادین سازمان‌ها، شرکت‌ها و حتی اشخاص درآمده و اهمیت آن به حدی است که اگر برند آسیب ببیند شرکت هم صدمه خواهد دید و از طرفی یک برند نیرومند موجب بقا و افزایش اعتبار شرکت در زمینه‌های مختلف خواهد شد. اگر بخواهیم تعریف دقیق و جامعی از برند بر اساس کتاب حاضر ارائه کنیم می‌توانیم بگوییم برند چیزی بیش از یک نام و نشان تجاری است. برند معرف تمام و کمال شخصیت یک شرکت در معنای کلی آن و واسطه شرکت و مخاطبانش است. برند باید قادر باشد از راه‌های گوناگونی با مخاطبانش ارتباط برقرار کند؛ از آنچه می‌بینیم و می‌شنویم، تا تخر به فیزیکی و احساسی که در مورد یک شرکت داریم. برند شامل ملموس‌ها و ناملموس‌ها است. محصولات، خدمات، افرادی که سازمان با موجودیت همه بخشی از برند هستند و بر نحوه ادراک و ارتباط متقابل مخاطبان با یک برند معین تأثیر می‌گذارند.

کتاب «مبانی برندیگ» از فصل به انضمام بخش نتیجه‌گیری تشکیل شده است. فصل اول شامل تعریف برند، تاریخچه آن، چارچوب بازاریابی، فرآیند توسعه برند، کار آژانس‌ها در معرفی

گردش روزگار برعکس است



خشکی /بخارهای معلق را به خود نمی‌پذیرد/ و در موسسات تحقیق /اشباح/ حیرت‌باران سنج‌ها را اندازه می‌گیرند....(یدالله رویایی) طرح: زینب دادمحمدی

با کاروان حله / اخبار هنر

تمجید لیلای حاتمی از بهنوش بختیاری

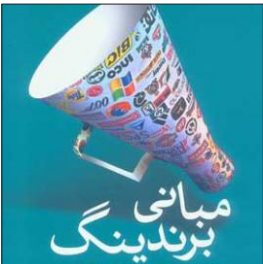


لیلا حاتمی، بازیگر نقش آذر در فیلم سینمایی «من» در نشست خبری این فیلم از بازی بهنوش بختیاری تعریف کرد. حاتمی در بخشی از این نشست به بازی‌های نقش‌های مقابلش اشاره کرد و گفت: «من از بازی خانم بختیاری بسیار شگفت‌زده شدم. هیچ چیز برای یک بازیگر به اندازه‌ی اینکه بازیگر مقابل او خوب بازی کند، مهم نیست. به نظر من بهنوش بختاری خیلی خوب بازی کرد و همه این ویژگی‌ها را داشت.»

لیلا حاتمی در بخش دیگری از این نشست و در پاسخ به سوال خبرنگاران در باره متفاوت بودن شخصیت آذر با نقش‌هایی که معمولا در آنها بازی می‌کند، گفت: «اصلا این طور نیست که این نقش را به دلیل متفاوت بودنش انتخاب کرده باشم. من به دنبال متفاوت بودن نیستم. نه اینکه بخواهم از آن برهیزر کنم، ولی به دنبال آن هم نیستم.» او با اشاره به اینکه قطعاً این تفاوت جذاب و اعتبارآور است، گفت: «من از همان اول احساس می‌کردم، نقش آذر به من نمی‌آید و پیشنهاد دادم برای این نقش کسی دیگر را جایگزین کنند. اما بعد سهیل بیرقی به من اطمینان داد دیالوگ‌های این شخصیت را با هم پیدا می‌کنیم. من هم نقش را قبول کردم.» گفتنی است: فیلم «من» اولین کار بلند سینمایی سهیل بیرقی در مقام کارگردان است و تهیه‌کنندگی این اثر را به‌طور مشترک سعید سعدی و سعید خانی به عهده دارند. امیر جدیدی و علیرضا استادی از دیگر بازیگران این فیلم هستند و در خلاصه داستان آمده: ما رو نرفصون آذر!

ای بس که شکست و یاز بیستم توبه فریاد همی‌کند ز دستم توبه دیروز به توبه‌ای شکستم ساغر امروز به ساغری شکستم توبه (سلمان ساوجی، قرن هشتم، رباعیات)

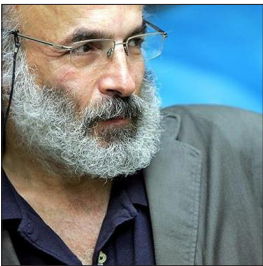
سوت پایان



مبانی برندیگ
مؤلف: ملیسا دیویس
مترجم: لادن رضایی
ناشر: فرهنگسرای میردشتی
قیمت: ۳۳ هزار تومان

برند، میدان عمل آژانس‌ها و ارتباط میان مشتری و آژانس‌ها است. در فصل دوم مولف به ساختارهای برند، روش‌شناسی توسعه برند، جایگاه و ارزش برند و چگونگی تثبیت برند پرداخته و به صورت دقیق و مثال‌های فراوان این مفاهیم را مورد بررسی قرار داده است. در فصل سوم ارتباط مخاطبان با برند و تحلیل این فرآیند مورد توجه قرار داشته و نویسنده به طرز نگارش مخاطب، شناخت مخاطبان، رابطه برند و اخلاق، برند و ارزش‌های جامعه و مخاطبان دیجیتال می‌پردازد. فصل چهارم با عنوان راهکارهای برندیگ، راهکارهایی برای تنوع بخشیدن به برندها ارائه می‌شود و همچنین نحوه مشارکت برندها و آینده این مشارکت‌ها بررسی می‌شود. فصل پنجم میزان تأثیر برند و نحوه ارزیابی و سنجش تأثیرگذاری برندها مورد توجه است، اینکه چگونه و بر اساس چه معیارهایی می‌توان تأثیر یک برند را اندازه‌گیری کرد. در فصل پایانی کتاب بررسی تحول در برندها، گرایش‌های اصلی در آینده برندها، دورنمای صنعت برند، و پیشبرد برند مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به کمبود منابع ترجمه شده در این حوزه و نظر به اهمیت روزافزون موضوع برندیگ، این کتاب بسیار جلب توجه می‌کند. کتاب در پی آن است تا شرحی کلی در مورد برندیگ و ساختار برند را به صورتی قابل درک در اختیار مخاطب قرار دهد بدون آنکه به دام پیچیده‌گویی بیفتد. چاپ کتاب بی‌تردید یکی از مزیت‌های آن است. از دیگر مزایای کتاب مثال‌های فراوان و جدید آن و همین‌طور تمرین‌های پایان هر فصل است. (منبع: الف)

کیانوش عیاری از امیدهایش گفت



کیانوش عیاری می‌گوید جشنواره فیلم فجر در طول عمر سی و چند ساله‌اش بی‌میل نبوده سمت و سویی به سینمای بلاتکلیف ایران بدهد. این فیلم‌ساز در گفت‌وگو با روزنامه شرق درباره جشنواره فیلم فجر گفت: هنوز دوران عرفان‌زدگی در سینما رافراموش نکرده‌ام. دورانی که اگر جشنواره فجر هم تعیین‌کننده اصلی‌اش نبود، به‌رحال همیشه نیروهای مستقلی فراتر از این خطوط سینما را به این سمت سوق دادند. فارغ از این مرزبندی‌ها، در نهایت وجه مثبت جشنواره فجر را هم طی این سی و چهارسال نباید نادیده گرفت. همین وجه رقابتی جشنواره برخی از بلندگی‌های کیفی را در سینمای ایران رقم زده. عیاری همچنین درباره واکنش شهاب حسینی به معضل خواندن فیلم «اشغال‌های دوست‌داشتنی» افزود: برخورد شهاب حسینی کاملاً متمدانه بود. انسان متمدن، در اعتراض به یک اتفاق خودش را کنار می‌کشد. آقای حسینی هم در حد انتظارات خودشان عمل کردند و رفتارشان برای من قابل احترام است. جریان فرهنگی کشور- گرچه سنگ جلویاپیش‌انداخته می‌شود- دوست داردطور دیگری عمل کند و با وجود تنگناها، فرهنگ و سینمای ایران همچنان نفس می‌کشد، هنوز فیلم‌های بسیار خوب ساخته می‌شود و این باعث خوشحالی است. همان‌طور که با یک گل بهار نمی‌آید، با یک خار هم کاشان خارستان نمی‌شود. کیانوش عیاری درباره آینده سینمای ایران گفت: مثل همیشه امید به آینده دارم. آینده‌ای که ممکن است خیلی هم نامعلوم و دور از ذهن باشد.

و آنها بنا بر تحولاتی که در منطقه اروپا روی داده بود، تحولات ایران را رصد می‌کردند که اوج این نگاه در نوشته‌های خان‌ملک‌ساسانی موج می‌زد و کسانی که برای برتانیانقش بسیاری قائل بودند و اعتقاد داشتند در هر رخدادی نقش دولت انگلستان مهم بود و این دیدگاه را به اصطلاح توطئه‌انگاری می‌گفتند. البته این نگاه من است که از آن به توطئه‌انگاری یاد می‌کنم برخی آن را نظریه توطئه می‌نامند. در این نگاه عدای معتقد بودند که فراماسون‌ها، بهایی‌ها یا دستگاه‌های خارجی در تحولات ایران نقش فراوانی داشتند. ایراد اصلی بر این نحله‌های تاریخ‌نگاری این بود که دچار نوعی مغالطه «کن هو و چه» می‌شدند به این معنی که وجهی از عوامل تأثیرگذار بر یک رخداد را می‌گرفتند و آن را به سایر وجوه دیگر تعمیم می‌دادند. طبیعی بود که این کاستی با مراجعه به منابع دست اول رفع می‌شد. با این حال، منابع دست اول، در نگاه نخست کسانی بودند که در رخدادها تأثیر مستقیم داشتند و صاحب‌منصبان از صدر تا ذیل را در بر می‌گرفتند. بعد از انقلاب متأسفانه برخی از این عناصر رفته بودند.

جمله‌روش‌هایی که در تحلیل تاریخ ایران به کار گرفته شد، مراجعه به افراد و کسانی بود که درباره گذشته شناختی داشتند که ما نام این رویکرد را تاریخ شفاهی گذاشتیم. از این‌رو، یک طرف‌تلاش شد تا کسانی که شاهد انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی بودند در محور گفت‌وگو قرار بگیرند و از طرف دیگر جمع‌آوری خاطرات کسانی که در دوران انقلاب و جنگ حضور داشتند، ثبت و ضبط و بعد از جمع‌آوری منتشر شد. البته تمام این تلاش‌ها به مفهوم تاریخ شفاهی نبود، زیرا ما در آغاز راه بودیم و فاصله زیادی با تاریخ شفاهی داشتیم. در میان این تلاش‌ها، رویکرد خاطره‌نگاری نیز پررنگ شد اما باید به صراحت گفت که خاطره‌نگاری جدا از تاریخ شفاهی است و تفاوت آن با تاریخ شفاهی این است که این شیوه محور موضوعی است که درباره آن سخن می‌گوییم. در صورتی که در خاطره‌نگاری شخص محور همه موضوع‌هاست. ما تا این زمان روش‌های مختلف تاریخ‌نگاری را داشتیم. نخست شیوه مارکسیستی بود که رویدادهای ایران را بر اساس دیدگاه‌های مارکسیستی و استالینیستی بررسی می‌کرد. دیدگاه دیگر، دیدگاه مبتنی بر نگاه مستشرقین به تاریخ ایران بود